قر ب به اتفاق فقهاء تعداد نجاسات را ازده[1] و برخی دوازده[2] مورد اعلام کرده اند، از جملهٔ آنها که همه بالاتفاق آنرا ذکر کرده اند نجاست کافر[3] است، کافر عنی کس که منکر خدا باشد و ا برای خداوند متعال شر ک قائل باشد. و ا ا نکه رسالت حضرت خاتم الانب اء محمد بن عبدالله ـ صلی الله عل ه و آله ـ را قبول نداشته باشد و ن ز به کسی کافر می گو ند که ضروری د ن عنی، چ زی را مثل نماز و روزه که همهٔ مسلمانان آنرا جزء د ن اسلام می دانند منکر شود.[4] فقهاء در ا ن زم نه به آ ۀ شر فهٔ «انما المشرکون نجسٌ»[5] و روا ات متعدد د گری، از جمله ا ن روا ت که از امام صادق ـ عل ه السلام ـ نقل شده است «من نصب د ناً غ ر د ن المومن ن(د ن اسلام) فهو مشرک»[6] استناد می کنند. و از فروعاتی که برای ا ن مسئله ذکر کرده اند ا ن است که تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است.[7]

حال که روشن شد چه کسانی در فقه اسلام و ش عه نجس می باشند به کنکاش در آثار بهائ ان می پرداز م تا از برخی عقا د آنها آگاه شو م بهائ ت فرقه ای است که توسط حسنعلی نوری معروف به بهاء الله به وجود آمده است. قبل از آن به وس له علی محمد باب که به پ روی از اند شه های ش خ ه خود را رکن چهارم ا انسان کامل پنداشته بود، با ب ت را به وجود آورده بود، وی در آغاز مدعی بود که باب امام زمان(عج) می باشد ولی در نها ت ادعای الوه ت نموده و اعلام نمود که بعداً کسی را به عنوان «من ضحصر الله» خواهد فرستاد. بعد از اعلام علی محمد، حس نعلی نوری مدعی شد که او همان کسی است که علی محمد باب وعده آمدن او را داده است. بعد از آن با ادعای نسخ د ن اسلام، نغمهٔ ا جاد د ن تازه سرداد و به د ن سازی روی آورد.[8] برخی از عقا د بهائ ت از قرار ز ر می باشد: 1. اعتقاد به الوه ت علی محمد باب و حس نعلی نوری کی از سخ ف تر ن و غ ر معقول تر ن اعتقادات بهائ ت و باب ت اعتقاد به اله بودن باب و حس نعلی نوری است علی محمد باب ادعا کرده است که رف ع تر ن مراتب حق قت عنی الوه ت در او حلول کرده آن هم حلولی مادی و جسمانی.[9] ا ن اعتقاد بهائ ت با مبانی تمام اد ان آسمانی در تضاد می باشد ز را در اد ان آسمانی الوه ت مختص حضرت حق، پروردگار و خالق جهان و جهان ان است و در ا ن مقام ه چ کس و ه چ چ ز با او شر ک ن ست. 2. اعتقاد به مقام نبوت علی محمد و م رزا حس نعلی بهائ ان می گو ند: مقام قائم موعود به حکم برخی آ ات قرآن کر م، مقام اصالت و نبوت است.[10] اما ش عه می گو د: قائم موعود تابع قرآن مج د و شر عت خاتم الانب اء محمد ـ صلّی الله عل ه و آله ـ و مقام او مقام خلافت و وصا ت و امامت است نه اصالت و نبوت.[11] 3. اعتقاد به قائم موعود بودن علی محمد باب و م رزا حس نعلی بهائ ان می گو ند: علی محمد و م رزا حس نعلی موعود د ن اسلام هستند و جم ع انب اء بدان اشارت داده اندو علامات آن در کتابهای آسمانی ثبت است. اما ش عه می گو د: موعود د ن اسلام کی ق امت کبری است و د گری ظهور بق ۀالله ارواحنا له الفداء که در قرن سوم هجری در سُرّ من رآه متولد شد، نام مادرش نرجس می باشد. 4. اعتقاد به نسخ د ن اسلام بهائ ان می گو ند: مقام قائم موعود، مقام شارع ت است نه تابع ت،[12] و ن ز می گو ند قائم در هنگام ظهورش حکم به نسخ د ن اسلام می کند و بتشر ع شر عت جد دی غ ر از اسلام می پردازد.[13] اما شع ه می گو د: قائم موعود، تابع قرآن مج د و شر عت خاتم الانب اء محمد ـ صلی الله عل ه و آله ـ و مجدد و مح ی همان د ن اسلام است و صاحب کتاب جد د و آورندهٔ شر عت جد دی ن ست.[14] خلاصه آنکه بهائ ان: اولاً: مدعی الوه ت باب و بهاء و منکر خاتم ت نبی مکرم اسلام هستند، ثان اً: منکر احکام ضروری د ن مثل نماز، و روزه و... بوده و آنها را منسوخ می دانند. ثالثاً نه تنها منکر وجود نازن ن حضرت بق ۀ الله الاعظم هستند بلکه دشمن او می باشند. در نت جه می توان گفت که علت نجاست آنان، کفر آنان می باشد و ادله ای که به نجاست کفار و مشرک ن دلالت دارند، آنها را ن ز در بر می گ رند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

1. **توضیح المسائل مراجع عظام، قسمت نجاسات.**

2. **بهائیت دین نیست، ابوتراب هدائی. به نقل از سایت محاکمه**

3. **تاریخ جامع بهائیت، بهرام افراسیابی.**

4. **وسائل الشیعه، حر عاملی، ج1، کتاب الطهاره، ابواب مقدمه عبادت باب2.** [1]. **خمینی، تحریر الوسیله، نجاسات، قم، اسماعیلیان نجفی، ط دوم، 1390هـ ق، ج1، صفحهٔ 114، مسالهٔ 1.** [2]. **رسالهٔ توضیح المسائل با متن فتاوی آقای بروجردی و حواشی آیات عظام، جاودان و فراهانی، علمیه، مسئلهٔ 84، ص 26.** [3]. **محقق حلی، شرایع الاسلام، دارالاضواء، بیروت، ط دوم، 1403 هـ کتاب الطهاره، ج1، ص 53.** [4]. **رسالهٔ توضیح المسائل مسئلهٔ 107، ص 30.** [5] **.توبه/28.** [6]. **حر عاملی، وسائل الشیعه، الاحیاء التراث، قم، ط اول، 1409 هـ ق، ج 1، کتاب الطهاره، ابواب مقدمه عبادت، باب 2، ح 3، ص 30.** [7]. **رساله توضیح المسائل 108، ص 31.** [8]. **زاهدانی، سید سعید زاهد، بهائیت در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ط دوم، 1381، ص 97.** [9]. **عامر النجار، البهائیهٔ و جذورها البابیهٔ، دارالمنتخب العربی، ط اول، 1419 هـ. ق، ص 44.** [10]. **بهائی چه می گوید، جواد تهرانی، ، مشهد، ط دوم، 1341، ج 2، ص 2.** [11]. **همانص 76.** [12]. **همان، ص 2.** [13]. **همان، ص 93.** [14]. **همان ، ص 76**